



اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی

غلامرضا پیوندی^۱، غلام حیدر رضایی^۲

چکیده

محیط خانواده نخستین و مهمترین جایگاه برای پرورش و شکل‌گیری شخصیت اخلاقی کودکان است و صیانت آنها از انحراف اخلاقی تا حد زیادی به بستر خانوادگی وابسته است. از این رو، اصلاح محیط خانوادگی برای پیشگیری از انحراف اخلاقی کودکان مهم و اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تدابیر و راهکارهای اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان به روش تحلیلی- اسنادی و با رویکرد تطبیقی بین سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در سیاست جنایی اسلام، خانواده بر پایه اخلاق دینی و مسئولیت والدین شکل می‌گیرد و دولت اسلامی مکلف به حمایت از آن است. در اسناد بین‌المللی نیز نقش خانواده در پیشگیری از انحراف اخلاقی کودکان به رسمیت شناخته شده است و حکومت‌ها موظف به فراهم‌سازی بستر مناسب حمایتی و تربیتی هستند. اسلام بر ابعاد مادی و معنوی انسان به صورت توأمان توجه دارد. بنابراین، تدابیر اتخاذی در سیاست جنایی اسلام برای مقابله با عوامل زمینه‌ساز انحرافات اخلاقی کودکان در محیط خانواده، نسبت به اسناد بین‌المللی که رویکرد آن انسان‌محور است و به ابعاد معنوی توجه کمتری دارد، از جامعیت و استحکام بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: محیط خانواده، اصلاح بستر خانواده، انحراف اخلاقی کودکان، صیانت از کودکان، سیاست جنایی اسلام، اسناد بین‌المللی.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18099.2225

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

۱. استادیار و مدیر گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: peyvandi@iict.ac.ir 0000-0003-4613-4496

۲. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران.

Email: rgholamhaidar@gmail.com 0000-0003-4613-4496

Modifying the Family Context to Deal with Children's Moral Deviation in Islamic Criminal Policy and International Documents

Gholam Reza Peivandi ¹, Gholam Heidar Rezaei ²

The family environment is the first and most important place for the upbringing and formation of children's moral character, and their protection from moral deviation largely depends on the family context. Therefore, it is important and inevitable to modify the family environment to prevent children's moral deviation. This research aimed to investigate measures and strategies for modifying the family environment to deal with children's moral deviation using an analytical-documentary method and with a comparative approach between Islamic criminal policy and international documents. The findings showed that in Islamic criminal policy, the family is formed based on religious morality and parental responsibility, and the Islamic state is obliged to support it. International documents also recognize the role of the family in preventing children's moral deviation, and governments are obliged to provide an appropriate supportive and educational context. Islam pays attention to both the material and spiritual dimensions of humans. Therefore, the measures adopted in Islamic criminal policy to deal with the factors that lead to children's moral deviations in the family environment are more comprehensive and robust than international documents, which have a human-centered approach and pay less attention to spiritual dimensions.

Keywords: family environment, modifying the family context, children's moral deviation, child protection, Islamic criminal policy, international documents.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18099.2225

Paper Type: Research

Data Received: 2024/02/19

Data Revised: 2024/07/23

Data Accepted: 2024/08/01

1. Assistant Professor and Head of Department of Jurisprudence and Law, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: peyvandi@iict.ac.ir

 0000-0003-4613-4496

2. Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Humanities Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: rgholamhaidar@gmail.com

 0000-0001-8677-1428

۱. مقدمه

انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که اختیار معماری شخصیت خود را به‌دست دارد. سعادت و رستگاری انسان در گرو رشد و شکوفایی فضیلت‌های اخلاقی، آراستگی به آنها و پاکی از رذیلت‌هاست. مسئله مهم در صیانت کودکان از انحراف اخلاقی از بین بردن زمینه‌های انحراف اخلاقی کودکان یا ایجاد زمینه مناسب برای مصونیت کودکان از انحرافات اخلاقی است. گرایش به فضایل و کمالات اخلاقی هرچند امری فطری است و در خلقت انسان ریشه دارد، ولی افراد با تأثیر عوامل مختلف از شکوفایی و رشد اخلاقی باز می‌مانند. در نتیجه فرد از مسیر فضیلت‌مندی، منحرف شده و رذایل و انحراف اخلاقی در او شکل می‌گیرد. مقصود از انحراف اخلاقی، انجام افعال زشت و ناپسند و دست‌کشیدن از اصول و ارزش‌های اخلاقی است. (تختایی، ۱۳۹۶) همچنین انحراف اخلاقی، اعمال و رفتارهای مخالف با ارزش‌ها و دستورهای اخلاقی مانند بدگمانی، تندخویی، تکبر، منیت، عجب، فحشاء، افتراء، سخن‌چینی، تجسس، غیبت، حسادت، پیمان‌شکنی، خیانت در امانت، فریبکاری، دروغ‌گفتن، قطع رحم، ظلم و ستم، کینه‌جویی، تجاوز به حقوق دیگران و... است. این رفتارها ناقض هنجارها و ارزش‌های اخلاقی است (علینی، ۱۳۹۱).

انسان‌ها در هر مقطع سنی ممکن است در معرض انحرافات اخلاقی قرار گیرند. کودکان به دلیل موقعیت حساس سنی و وضعیت جسمی و روانی، بیشتر در معرض ابتلا به این انحرافات قرار دارند. کودکان سرمایه‌های تمدنی و معنوی جامعه و سازندگان اجتماع هستند و سلامت اخلاقی و روحی آنها تضمین‌کننده سلامت، امنیت، رشد و پیشرفت جامعه در آینده است. حضور کودکان در راهبرد رشد و توسعه و در چشم‌انداز آینده هر جامعه و ملت عاملی تعیین‌کننده است. (بشری، ۱۳۹۴) هرگونه غفلت و بی‌توجهی نسبت به کودکان، جامعه و جهان را با چالش‌ها و خطر اضمحلال و نابودی مواجه می‌کند. از این رو، پرورش، هدایت، ساماندهی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و شکوفایی قابلیت‌های کودکان و دور نگه داشتن آنها از رذیلت‌ها و انحرافات اخلاقی اهمیت فراوانی دارد.

پیشرفت‌های تکنولوژی در عصر حاضر به همه افراد این امکان را می‌دهد که به محتوای متنوعی از اطلاعات دسترسی پیدا کنند. (لوپیس، ۲۰۲۳) براین اساس، عوامل انحراف



کودکان و آسیب پذیری آنها نیز بیشتر و مسئله انحراف اخلاقی کودکان به مشکل بزرگ اجتماعی تبدیل شده که جامعه و جهان امروز را متأثر نموده است. شیوه صیانت کودکان از انحرافات و رذیلت های اخلاقی از مسائل مهم جوامع مختلف و در محور سیاست جنایی کشورهاست. این مسئله باعث شده است که جامعه شناسان و جرم شناسان به تکاپو بیفتند تا سازوکارها و راه حل های مناسب برای مهار و جلوگیری از وقوع انحرافات اخلاقی و بزهکاری در میان کودکان پیدا و ارائه کنند. یکی از تدابیر و راه حل ها در این ارتباط، اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان است؛ زیرا کودکان نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کنند و خانواده به معنای یک واحد اجتماعی که از ازدواج زن و مرد به وجود می آید و فرزندان کامل کننده آن هستند، مهمترین جایگاه و اولین آموزشگاه رفتاری برای کودکان است. در محیط خانوادگی، پدر و مادر از نخستین افرادی هستند که بر اخلاقیات و شخصیت اخلاقی فرزندان تأثیر می گذارند (آلبرتو، ۲۰۲۳). آنها با سلوک و رفتارهای خود پایه ها و اساس فضیلت ها یا رذیلت های اخلاقی را در ساختار شخصیت فرزندان پایه گذاری می کنند و بسترهای شکل گیری حالات و کمالات اخلاقی یا مفاصد و انحرافات اخلاقی را فراهم می کنند.

در خانواده ای که هم پدر و هم مادر در تربیت فرزند و مراقبت از او شرکت می کنند به طور قابل توجهی اعتماد به نفس کودک زیاد شده و کودک به ثبات عاطفی و موفقیت بهتر در همه امور دست می یابد. والدین با ایجاد محیط خانوادگی سالم و ایجاد احساس امنیت و پذیرش به بهترین شکل ممکن به رشد کودک خود کمک می کنند. (بیونیس، ۲۰۲۴)

خانواده به همان میزان که در موقعیت مناسب و شرایط مطلوب می تواند کودک را در مسیر رشد اخلاقی و اکتساب فضایل اخلاقی هدایت کرده و او را در فرایند جامعه پذیری یاری کند به همان میزان نیز در موقعیت نامناسب و شرایط نامطلوب می تواند کودک را در مسیر گمراهی و اکتساب رذایل اخلاقی قرار دهد. همچنین می تواند فرایند جامعه پذیری او را ضعیف یا مختل کند یا آن را با نتیجه ای معکوس مواجه نماید. ازاین رو، خانواده یکی از قوی ترین عوامل سازنده شخصیت اجتماعی و اخلاقی کودکان است (جوانمرد، ۱۳۹۰). خانواده سالم، ضامن بقای نسل سالم و شایسته و کانون تربیت و پرورش صحیح نسل آینده است

(پیوندی، ۱۴۰۱). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قلب نوجوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد» (حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق). پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «هر کودکی بر فطرت پاک الهی متولد می‌شود. این پدر و مادر هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی‌اش می‌کنند» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ه.ق، ۱/۳۵).

اگر خانواده نتواند کارکردهای مثبت خود را در تربیت فرزندان اعمال کند مرکزی برای انحراف اخلاقی و بستری برای مجرم‌پروری و ناسازگاری با جامعه می‌شود. بنابراین، اصلاح محیط خانوادگی و صیانت آن از آسیب‌ها برای قوام اجتماع و پیشگیری از انحرافات اخلاقی کودکان امری ضروری است و محیط خانوادگی باید به صورتی اصلاح شود که در پرورش و هدایت کودک تأثیر منفی نگذارد و او را به سمت مفاسد و انحرافات اخلاقی سوق ندهد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تدابیر و راهکارهای اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان را به روش تحلیلی-اسنادی و با رویکرد تطبیقی بین سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی انجام شد. بررسی‌های پژوهش‌های پیشین در موضوع مقاله حاضر نشان داد که تاکنون مقالاتی در این موضوع منتشر نشده است. در برخی از پژوهش‌ها به بحث اصلاح بستر خانوادگی برای جلوگیری از انحراف و جرم اشاره شده است (ر.ک.، غیبی قراچیه قیه، ۱۳۹۳؛ یآوری، ۱۳۹۵؛ شورای مرکزی کرسی‌های آزاداندیشی حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۹۷)، اما این پژوهش‌ها فاقد شاخصه پژوهش حاضر یعنی، مسئله اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان از منظر سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. تدابیر اسلامی در اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان

برخی از مهمترین تدابیر برای اصلاح بستر خانوادگی در مقابله با انحراف اخلاقی کودکان عبارتند از: ایجاد حس مسئولیت در والدین، تشویق و ایجاد انگیزه برای والدین، حفظ جایگاه آمرانه (مدیریتی) والدین و مشروعیت بخشیدن به آن، تقویت اقتدار و جایگاه معنوی والدین، تقویت فرهنگ خدامحوری در خانواده و فقرزدایی از خانواده.

۲-۱. ایجاد حس مسئولیت در والدین

برای جلوگیری از آسیب و لغزش‌های اخلاقی اعضا و فرزندان خانواده باید این حس در والدین ایجاد شود که در قبال تربیت فرزندان مسئول هستند. خداوند در قرآن کریم آشکارا فرمان داده و با این فرمان، حس مسئولیت را برای والدین ایجاد نموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود را و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید» (تحریم: ۶). (ر.ک.، گروهی از مترجمان، ۱۳۷۷، ۱۱۷/۱۶) مفسران معتقدند که براساس این آیه، یکی از وظایف و مسئولیت‌های مهم خانواده حفظ اعضا به‌ویژه فرزندان از فرجام بد با تعلیم و تربیت آنهاست؛ یعنی خانواده مسئول است که خوبی‌ها را به آنها بیاموزد و از بدی‌ها بازدارد و محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانواده فراهم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳۳۴/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴/۲۸۷).

از تعبیر «قُوا: نگه دارید» در آیه فوق دو نکته مهم قابل برداشت است: یکی اینکه مسئولیت تربیتی فرزندان به والدین سپرده شده است و دیگر اینکه از والدین خواسته شده است که در تربیت فرزندان از راهبرد سیاست وقایوی و صیانتی استفاده کنند؛ یعنی والدین، ابتدا عوامل انحراف را شناسایی کنند و سپس با اقدامات تربیتی مناسب، کودکان را وقایه و صیانت نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی در مقام حقوق فرزندان بر پدران فرمود: «از جمله حقوق فرزند بر پدرش این است که به او کتاب خدا را بیاموزد و او را به پاکی و پاکدلی تربیت کند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۹/۶). این حدیث نشان می‌دهد که تربیت وقایوی و صیانتی از اطفال از باب انجام مسئولیت و ادای تکلیف است. امام سجاد علیه السلام نیز بر این مسئولیت والدین تأکید نموده است: «تو در برابر آنچه ولایتش برعهده تو گذاشته شده است، مسئول هستی؛ نسبت به تربیت نیکوی آنها و هدایت به سوی پروردگار و یاری او بر اطاعت از خدا» (حرانی، ۱۳۶۳). امام خمینی رحمه الله در این رابطه تصریح می‌کنند که بر عهده ولی است که کودک را از آنچه اخلاقی را فاسد می‌کند و به‌ویژه از آنچه به اعتقاداتش آسیب می‌زند، محافظت نماید (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۱۶/۲).

در بینش اسلامی، والدین از اولین افرادی هستند که مسئولیت حفظ و صیانت فرزندان از انحرافات اخلاقی را دارند. والدین، وظیفه ساختن و مقاوم‌سازی نسلی را برعهده دارند که

بتواند در برابر عوامل انحراف‌زا، مقاومت و ایستادگی کند و به طرف انحرافات اخلاقی و انواع جرایم کشیده نشود. در نتیجه وقتی برای والدین این حس پیدا شد که در نگهداری کودکان از آلودگی به گناهان و انحرافات اخلاقی مسئولند و در صورت عدم انجام این مسئولیت قابل مذمت و مؤاخذه می‌باشند، سعی می‌کنند که برای انجام این تکلیف، موانع تربیت را بردارند و به اصول و برنامه‌های تربیتی، نخست آشنا شده و سپس به آن عمل کنند. همچنین از باب انجام وظیفه اهتمام لازم را بر نظارت و کنترل فرزندان نشان دهند.

۲-۱-۲. تشویق و ایجاد انگیزه برای والدین

اگر انجام وظیفه با تشویق و پاداش همراه باشد انگیزه انسان بر انجام مسئولیت زیاد می‌شود و مسئولیت از روی رغبت و میل به طور شایسته انجام می‌شود. برای تشدید و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری خانواده در تربیت و پرورش کودکان باید پاداش و مشوق‌هایی در نظر گرفته شود. از این رو، در آموزه‌های اسلامی، والدین به ایفای نقش هدایتی در فرزندان تشویق و مفتخر شده‌اند: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را با نیکی به او و مهربانی به او و آموزش او و آداب آموزی‌اش یاری کند» (نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۵/۱۶۹). همچنین پیامبر ﷺ فرمود: «فرزندان را تکریم کنید و ادبشان را به نیکی انجام دهید، خداوند شما را می‌آمزد» (طبرسی، ۱۳۷۰).

برای تشویق و تحریض پدران و مادران برای انجام این مسئولیت مهم اجر و پاداش معنوی در قبال این عمل ذکر شده است. رسول خدا ﷺ درباره ارزش تعلیم قرآن به فرزند ازسوی پدر و مادر می‌فرماید: «هیچ‌کس نیست که فرزندش قرآن بیاموزد مگر آنکه روز قیامت بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی گذاشته می‌شود و دو لباس بر آنها پوشانده می‌شود که مردم همانند آن را ندیده‌اند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶/۱۶۸). ایشان در بیان دیگر درباره ارزش فراگیری قرآن می‌فرماید: «فرزندان را به سه ویژگی تربیت کنید و قرائت قرآن؛ زیرا حاملان قرآن در سایه [رحمت] خداوند در آن روز که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست و در کنار پیامبران و برگزیدگان او جای دارند» (متقی هندی، ۱۳۹۷، ۱۶/۴۵۶). امام صادق علیه السلام نیز درباره جایگاه آخرتی پدر و مادری که به فرزندشان قرآن بیاموزند، فرمود: «هرکس به فرزند خود قرآن بیاموزد روز قیامت پدر و مادرش را فراخوانند و دو لباس بهشتی به آنها بپوشانند که از نور آن، چهره بهشتیان روشن و پرفروغ شود» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶/۴۱). در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز به این موضوع توجه شده



است: «خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی عنایت می‌کند. آنها با شگفتی سؤال می‌کنند: پروردگارا! این همه تفضل درباره مادر قبال چیست؟ در جواب آنها گفته می‌شود که این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود قرآن را آموختید و او را به دین اسلام بصیر و بینا کردید» (عسکری، ۱۴۰۹، ص ۵۱۴).

۳-۱-۲. حفظ جایگاه آمرانه (مدیریتی) والدین و مشروعیت بخشیدن به آن

منظور از جایگاه آمرانه همان اشراف، نظارت و رفتار هدایت‌گرانه پدر و مادر است که در مواقع متعدد عامل هدایت و بازداري از انحراف اخلاقی کودکان است. از ابوبصیر روایت است که گفت: «از امام صادق (ع) در مورد آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» پرسش کردم که خودم را می‌توانم نگاه دارم و حفظ کنم، ولی چگونه اعضای خانواده را از آتش حفظ کنیم. ایشان در جواب فرمود: آنها را امر به معروف و نهی از منکر کن. اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند آنچه را برعهده داشتی، انجام داده‌ای» (گروهی از مترجمان، ۱۳۷۷، ۱۶/۱۱۶:۱۱۷). این روایت بر حفظ جایگاه آمرانه والدین و مشروعیت اوامر و نواهی آنها که برای رشد و هدایت فرزندان اعمال می‌شود، دلالت دارد. از این رو، زیاد دیده شده است که پیشوایان دینی، مدام فرزندان خود را به انجام اوامر الهی و کسب فضایل اخلاقی امر و از محرمات الهی و رذایل اخلاقی منع می‌کردند. قرآن می‌فرماید: «اسماعیل همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش مورد رضایت بود» (مریم: ۵۵). امر به نماز و زکات از مصادیق امر به معروف است. همچنین حکایت دارد از رفتار آمرانه حضرت لقمان نسبت به فرزندش که فرمود: «ای پسرکم! نماز را برپا دار و به کار پسندیده فرمان بده و از ناپسند بازدار و در برابر آنچه به تو می‌رسد بردبار باش که این از تصمیم استوار در کارهاست و از مردم رخ برمتاب و در زمین با سرمستی راه مرو؛ زیرا خدا هیچ متکبر خیال‌پرداز فخرفروشی را دوست ندارد و در راه رفتنت میانه‌رو باش و از صدایت کم کن؛ زیرا مسلماً ناپسندترین صداها، صدای الاغ‌هاست» (لقمان: ۱۹:۱۷).

اوامر و نواهی والدین از اقدامات تربیت دینی و اخلاقی است و مشروعیت الهی دارد. در جوامع اسلامی کسی حق ندارد بابت این اوامر و نواهی، والدین را بازخواست یا محکوم کند. امروزه برخی با امر به معروف و نهی از منکر والدین مخالفند و آن را زیر سؤال می‌برند و والدین را به دخالت در امور فرزندان و سلب آزادی آنها متهم می‌کنند. شاخصه آمریت و هدایت‌گری والدین به ویژه وقتی آسیب‌های بیرون از خانه افراد را تهدید می‌کند، توان بازدارندگی و

پیشگیری فراوانی دارد. در عصر کنونی، عوامل بیرونی با حداقل موانع وارد خانه و حریم خصوصی افراد می‌شود و در سایه فناوری‌های نوین، بسیاری از افراد در معرض انحراف اخلاقی و ارتکاب جرائم قرار می‌گیرند (عابدی میانجی، ۱۳۸۸). بنابراین، حفظ اقتدار مدیر خانواده (والدین) در کنترل و نظارت بر فرزندان، سیاستی مشروع و قایوی از انحرافات اخلاقی آنهاست که باید برای آن اهتمام زیاد قائل شد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶). بنابراین، اگر والدین بتوانند با استفاده از اوامر و نواهی تربیتی و اتخاذ سایر اقدامات و شیوه‌های تربیتی، فرزند را در مسیر درست دینی و ارزش‌های اخلاقی نگه دارند فرزند هرگز شکار منحرفان بیگانه و بیرونی نمی‌شود.

۲-۴. تقویت اقتدار و جایگاه معنوی والدین در خانواده

برای تأثیرپذیری فرزندان از اوامر و نواهی و از اقدامات تربیتی والدین باید بر جایگاه معنوی والدین در خانواده و جامعه تأکید و آن را تقویت کرد. با تقویت مقام معنوی والدین، فرزندان و اعضای خانواده امثال اوامر و نواهی را نوعی عبادت قلمداد می‌کنند و این باعث می‌شود که مخالفت با والدین را گناه و نافرمانی از خدا تلقی کنند. ایجاد این روحیه در فرزندان، توان و ظرفیت پیشگیری از انحراف اخلاقی کودکان را توسط والدین بالا می‌برد. از این رو، در اسلام بر مقام معنوی والدین تأکید شده و احترام به آنها واجب است. خداوند در آیات متعدد، احترام والدین را هم‌ردیف توحید و یگانه پرستی قرار داده است (ر.ک... بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱). این نوع هم‌ردیفی بیانگر اهمیتی است که اسلام برای والدین قائل است؛ همچنان‌که در قرآن کریم سپاسگزاری در برابر والدین در ردیف سپاسگزاری در برابر مواهب و نعمت‌های خداست (مکریان، ۱۳۸۱).

براساس برخی از روایات، تا وقتی اشخاص داوطلب برای جهاد به قدر کافی وجود داشته باشند، خدمت نمودن به پدر و مادر از شرکت در عرصه جنگ و جهاد مهمتر است و شرکت در جهاد اگر موجب ناراحتی آنها شود، جایز نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض گفت که جوان بانشاط و ورزیده‌ای هستم و جهاد را دوست دارم، ولی مادری دارم که از این موضوع ناراحت می‌شود». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برگرد و با مادر خود باش. قسم! به آن خدایی که مرا به حق مبعوث ساخته است یک شب مادر با تو مأنوس



شود از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷۹/۱۲). در حدیث دیگری آن حضرت فرمود: «نگاه فرزند از روی محبت به پدر و مادر عبادت است» (حرانی، ۱۳۶۳). در برخی از آیات قرآن آمده است: «اگر پدر و مادر کافر باشند باز رعایت احترامشان لازم است» (لقمان: ۱۵). فتوای فقها بر این است که اطاعت از والدین بر فرزند واجب است مگر در جایی که مستلزم معصیت خدا باشد. اطاعت از والدین چنان جایگاه والایی دارد که حتی فرزند حق ندارد بدون اذن آنها برخی از امور مستحبی را هم به جا آورد (منتظری، ۱۳۸۷). مطابق شریعت اگر مسافرت فرزند واجب نباشد و باعث اذیت پدر و مادر شود این مسافرت ممنوع و حرام است. از این رو، باید در این سفر، نماز خود را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ هـ.ق). باتوجه به مقام معنوی والدین در اسلام، احترام و جایگاه آنها در بین اعضای خانواده بالاست و نقش آنها در جلوگیری از انحراف و پیشگیری از جرم، چندبرابر است.

۲-۱-۵. تقویت فرهنگ خدامحوری در خانواده

یکی از عوامل بسیار مهم و مؤثر برای حل معضل ازهم پاشیدگی خانواده‌ها و جلوگیری از انحراف اخلاقی کودکان، تقویت فرهنگ خدامحوری است؛ زیرا توجه و اعتقاد به حضور و نظارت خداوند نیرویی بازدارنده را در انسان ایجاد می‌کند که در آموزه‌های اسلامی از آن به تقوا یاد می‌شود. تقوا قوه کنترل‌گر درونی است که مانع نفوذ عوامل مخاطره‌آمیز برای سلامت خانواده می‌شود. در تأثیرگذاری ایمان به خدا و تقوای ناشی از آن آمده است که سازمان‌های پلیسی و مؤسسات اصلاحی هرچند قوی و گسترده باشند قادر به جلوگیری از رفتار انحرافی و گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند نقش ضامن اجرا در کنترل و مهار جرایم و گناهان در خلوت را داشته باشند، ولی ایمان و تقوای ناشی از آن می‌تواند نقش خلل ناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند. (قرائتی، ۱۳۷۰) در آیات و روایات بر ایمان و تقوای الهی برای بازداری از معصیت و پیشگیری از انحرافات تکیه شده است: «آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند» (علق: ۱۴) و «قطعاً پروردگار تو در کمین‌گاه است» (فجر: ۱۴). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «از معصیت خدا در خلوتگاه‌ها خود را نگه دارید؛ زیرا همان خدا شاهد و دادرس است» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ هـ.ق).

باور به خدا و وحدانیت او از اساسی‌ترین تعالیم دینی است و تأثیر مستقیمی بر شیوه

زیست انسان دارد؛ زیرا انسان مؤمن، الله را خالق، مالک، رب و حاکم همه مخلوقات می‌داند و رفتار و سلوک خود را بر مبنای این باور، نظام و سامان می‌بخشد. در اسلام، خانواده یکی از قالب‌های زیست اجتماعی انسان و اصلی‌ترین کانون اجتماعی است و نقش مهم و منحصر به فردی در تربیت و پرورش انسان دارد. از این رو، می‌توان گفت که خدا باوری و ایمان به خدا موجب سازگاری میان اعضای خانواده و تأمین‌کننده استحکام آن است. یکی از راه‌های در امان ماندن خانواده از خطر گناه و انحرافات اخلاقی، تقویت و ترویج خدامحوری در آن است.

۲-۱-۶. فقر زدایی از خانواده

از عواملی که خانواده‌ها را با خطر ازهم‌پاشیدگی مواجه کرده و زمینه انحرافات اخلاقی کودکان را فراهم می‌کند فقر اقتصادی است. دین اسلام تجمل، دنیا طلبی و زیاده خواهی را مذمت کرده است. همچنین فقر را بسیار نکوهش کرده است. لقمان حکیم در وصف فقر می‌گوید: «تمام تلخی‌های زندگی را چشیدم و در میان آنها تلخ‌تر از فقر چیزی نبود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳/۴۲۱). در روایتی، نتیجه فقر، نقصان دین، سرگردانی عقل و دشمنی با دیگران معرفی شده است (ر.ک. مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳/۴۱۳)؛ زیرا فقیر همواره به فکر رفع محرومیت و فقر خویش است و نمی‌تواند درباره مسائلی که کرامت انسانی او را مخدوش می‌کند، بیندیشد و تمام همت او رهایی از چنگال فقر است. امام رضا علیه السلام فقر را کلید بدبختی و بیچارگی می‌داند: «المسکنة مفتاح البؤس؛ فقر کلید و ریشه بدبختی و بیچارگی است» (حکیمی، ۱۳۸۸). آن حضرت فقر را عامل نفی شخصیت می‌داند: «هرگاه دنیا (مال و ثروت) به انسانی روی آورد نیکی‌های دیگران را به او می‌دهد و هرگاه به کسی پشت کند (و او فقیر شود) نیکی‌های خود را نیز از او می‌گیرد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸). زندگی انسان به شخصیت او بستگی دارد. پایگاه و محور اصلی اثرگذاری و نقش آفرینی هر فرد، کیان، منش و شخصیت اوست. از این رو، نفی شخصیت بسیار زیان بارتر از نفی شخص است. در این سخن امام رضا علیه السلام فقر عامل نفی شخصیت شمرده شده است که انسان فقیر دچار آن می‌شود و نقاط مثبت کیان خود را از دست می‌دهد یا آنها را نمی‌بیند؛ زیرا دچار عقده حقارت (و خودکوچک بینی) می‌شود (حکیمی، ۱۳۸۸).

در روایات فوق به عوارضی از فقر اشاره شده است که همگی بستر ساز گناه و انحراف

اخلاقی هستند مانند نقصان دین، اضطراب در فکر و عقل، نداشتن جایگاه اجتماعی، احساس تنگنا و فشار، احساس بی پناهی و بی آبرویی و... جرم شناسان و جامعه شناسان معتقدند که تأثیر فقر در سلامت جسمانی، کیفیت فرهنگی، زندگی خانوادگی و فرصت های تحصیلی غیرقابل تردید است. (فرجاد، ۱۳۶۳؛ مدنی، ۱۳۸۲) تنگدستی اقتصادی از عوامل مهم ارتکاب افراد به انواع انحرافات مانند دزدی، فحشا و انحرافات جنسی به ویژه در کودکان و نوجوانان است. خانواده هایی که در فقر مادی شدید به سر می برند و فرزندان آنها به انواع محرومیت ها مبتلا هستند و خانواده ها نمی توانند نیازهای آنها را برطرف کنند، روی آوردن کودکان به انواع انحرافات و بزهکاری ها امری دور از ذهن نیست؛ زیرا یکی از راه هایی که فرزندان برای به دست آوردن خواسته های خود انتخاب می کنند بزهکاری و معارضه با هنجارهای اجتماعی و اخلاقی جامعه است. با مطالعات و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است که خانواده هایی که گرفتار فقر مادی هستند بیشتر از سایرین با بزهکاری و انحراف روبه رو خواهند بود؛ زیرا فقر سبب می شود والدین آن قدر درگیر تنش ها و مسائل اقتصادی شوند که از تربیت صحیح فرزندان و نظارت و کنترل بر آنها غافل شوند (ر.ک.، نوری، ۱۳۸۹؛ غیبی قراچیه قیه، ۱۳۹۳).

بین فقر خانواده و انحراف کودکان و نوجوانان رابطه است. کودکانی که در خانواده های فقیر زندگی می کنند با توجه به محدودیت ها و شرایط موجود، مصونیت و ایمنی کمتری نسبت به سایر کودکان دارند. نیازهای آموزشی و روانی، بهداشتی و تغذیه این کودکان به خوبی برآورده نمی شود و با توجه به تأثیر از فضای زندگی نادیده گرفته می شوند. (نجفی توانا، ۱۳۹۸؛ بشری، ۱۳۹۴) فقر مادی، سلامت جسمی و روانی خانواده و والدین را به خطر می اندازد؛ زیرا در شرایط نامناسب اقتصادی احتمال به دنیا آمدن کودک نارس و عقب مانده ذهنی افزایش می یابد (مدنی، ۱۳۸۲). این موضوع خود به خود، کودک را در معرض خطر انواع انحرافات قرار می دهد. فقر مادی از عوامل زمینه ساز انحرافات اخلاقی و بزهکاری کودکان به شمار می رود. بنابراین، پیشگیری از انحرافات اخلاقی کودکان ایجاب می کند که از خانواده های فقیر، فقرزدایی شود و اعضای آن مورد حمایت معیشتی و اقتصادی قرار گیرند. از آموزه های اسلامی دو راه حل برای فقرزدایی از جامعه اسلامی قابل استنباط است:

اول، راه حل مردمی فقرزدایی از خانواده

اسلام برای فقرزدایی از خانواده‌ها وظایفی را برعهده ثروتمندان قرار داده و در مورد فقرا و مستمندان توصیه کرده است از جمله انفاق فی سبیل الله، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸) آیات زیادی در این موضوع قابل توجه و بررسی است (ر.ک.، نور: ۱۳؛ بقره: ۳؛ معارج: ۲۴-۲۵). برخی از وظایف مالی مانند پرداخت زکات و خمس، پرداخت کفارات مالی و قرض الحسنه قابلیت مصرف در این مورد را دارند. بنابراین، اجتماع اسلامی هنگامی که دچار کمبودها و مشکلات اقتصادی باشد و فقر و محرومیت گریبان گیر بخش یا بخش‌های از جامعه شود، مسئولیت آن متوجه آحاد امت اسلامی است و باید همگان از اموال شخصی هزینه نموده و کمبود و مشکلات جامعه و مردم را حل کنند. به بیان دیگر، با سرمایه شخصی مشکلات را از دوش دیگران بردارند؛ زیرا اگر این حقوق، تأدیه و پرداخته نشود و محرومیت‌ها کم نشود رنج‌آور و جرم‌ساز خواهد شد. از این رو، کمک‌های مردمی در فرهنگ اسلام اهمیت زیادی دارد.

دوم، راه حل حکومتی فقرزدایی از خانواده در اسلام

از وظایف اولیه دولت اسلامی است که با ایجاد رفاه و آسایش عمومی (مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۲۷/۴۰؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ۶/۲۵۸) و اتخاذ برنامه‌های حمایتی از گروه‌ها و خانواده‌های در معرض آسیب و خطر، فقر و محرومیت‌های معیشتی خانواده‌ها را کم کند. امکان دستیابی یکسان به کالاهای ضروری (منتظری، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲/۲۶۴)، توجه ویژه حکومت اسلامی به محرومان جامعه (ر.ک.، نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ حکیمی، ۱۳۸۰)، سوق دادن مشارکت مردمی برای مقابله با فقر خانواده‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵/۶۶) و فراهم کردن زمینه کار و تشویق به آن (عابدین میانجی، ۱۳۸۸) نمونه‌هایی از برنامه‌های حمایتی دولت اسلامی از قشر مستضعف است.

۲-۲. اصلاح بستر خانوادگی برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان در اسناد بین‌المللی

باتوجه به نقش خطیر خانواده در صیانت کودکان از انحراف اخلاقی و پیشگیری از بزهکاری آنها و باتوجه به کارکردهای آسیب‌زای خانواده در برخی از موقعیت‌ها و شرایط، در اسناد بین‌المللی حمایت از خانواده در قالب یک راهبرد مورد توجه قرار گرفته است. در فقره ۳ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است که خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود. در مقدمه کنوانسیون حقوق



کودک آمده است: «باتوجه به اینکه خانواده جزو اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود به ویژه کودکان است باید از حمایت‌ها و مساعدت‌های لازمه به گونه‌ای برخوردار شود که بتواند وظایف و مسئولیت‌های خود را در قبال جامعه ایفا کند» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹م). باتوجه به مطالعه اسناد بین‌المللی، حمایت‌های آموزشی و معیشتی از خانواده و حمایت خانواده‌های بدسرپرست از رهنمودهایی است که در اسناد مذکور برای رفع زمینه‌های خانوادگی انحراف اخلاقی و تقویت نقش‌آفرینی خانواده در پیشگیری از انحرافات اخلاقی کودکان به آنها تأکید شده است.

۲-۱. حمایت آموزشی از والدین

جرم‌شناسان معتقدند که دوران کودکی از لحظات بسیار گران بها برای سازندگی و تکوین یک شخصیت ایده‌آل است. از این رو، باید از این دوره درست بهره‌گیری کرد؛ زیرا بی‌توجهی و عدم استفاده درست از این لحظات که از پرمایه‌ترین دقایق عمر انسان است، آسیب‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. (کی‌نیا، ۱۳۸۵/۱، ۳۱۷) خانواده در سال‌های آغازین حیات کودک با تماس نزدیک و دائمی با کودک نقش قابل ملاحظه‌ای در سازندگی شخصیت و سلوک وی دارد و عامل تعیین‌کننده سرنوشت است (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ۶۰۴/۲). به دلیل اهمیت جایگاه مهم خانواده در اسناد بین‌المللی، ارتقای سطح فرهنگی خانواده و توانمندسازی والدین در امر تربیت و رشد کودک از راه حمایت آموزشی از آنها مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۱۶ رهنمودهای ریاض^۱ تأکید شده است: «برای فراهم کردن فرصت آموزش برای خانواده‌ها در زمینه نقش و مسئولیت‌های والدین در مورد رشد و پرورش کودک، مراقبت از کودک، ارتقای روابط مثبت والدین و فرزندان، جلب توجه والدین به مسائل کودکان و نوجوانان و تشویق مشارکت آنها در فعالیت‌های مبتنی بر خانواده و اجتماع باید اقدامات و تدابیر لازم صورت گیرد». در بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک مقرر شده است که کشورهای عضو برای تضمین و ترویج حقوق مندرج در کنوانسیون، مساعدت لازم را به والدین و سرپرستان قانونی برای ایفای مسئولیت‌هایشان و برای پرورش کودک عرضه خواهند کرد (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ۱۸/۲). عدم آگاهی کافی والدین از چگونگی پرورش

1. The Riyadh Guidelines



کودک یکی از موانع عمده در ایفای نقش مثبت در تربیت کودک است (دوریسیچ و بونیجواچ، ۲۰۱۷). برنامه‌های آموزشی پیش از زایمان، در طول رشد جنین و بعد از زایمان در طول رشد کودک در آگاهی والدین بسیار مؤثر است. تربیت صحیح کودک مسئله‌ای نیست که والدین به طور غریزی نسبت به آن آگاهی داشته باشند، بلکه این امر اکتسابی است و والدین جوان به یادگیری و مطالعه در این مورد نیاز دارند. براساس مطالعات انجام شده، مادرانی که دانش گسترده‌ای در مورد رشد کودک دارند نسبت به مادرانی که دانش کمتری دارند تعامل مثبت‌تری با فرزندان خواهند داشت. (کاددن، ۲۰۱۶) برگزاری کلاس‌های آموزشی تربیت کودک و آموزش واکنش‌های مناسب والدین به رفتارهای غلط و خشن کودکان به والدین یاد می‌دهد که چه تنبیه یا تشویقی برای کودک در نظر بگیرند که با وی ارتباط سازنده برقرار کنند و از درگیری‌های غیرضروری با آنها اجتناب کنند و چه مقدار به کودک توجه و محبت کنند (افشاری، ۱۳۸۸).

باتوجه به اهمیت آموزش و پرورش در کانون خانوادگی ضروری است که معلومات و آموزش‌های لازم در مورد رفتار با فرزندان توسط افراد متخصص یا جمعیت یا انجمن‌های ذی‌صلاح در امر آموزش و پرورش و از راه صدا و سیما و مطبوعات داده شود. (پرفیت، ۱۳۷۸) اطاق‌ها و دفاتر مشاوره خانوادگی نیز نقش مهمی در این موضوع دارند. از این رو، لازم است که در هر محله‌ای چنین اطاق‌ها و دفاتری ایجاد شود به طوری که کودکان و خانواده‌ها به آسانی و راحتی به آنها دسترسی داشته باشند. در ارتقا و بالابردن کارکرد تربیتی و اجتماعی کردن خانواده‌ها استفاده از هنرهایی مانند نقاشی، نمایش فیلم، تئاتر و پخش موسیقی توسط صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی و نیز سازمان‌های غیردولتی که در راستای بهبود روابط خانوادگی عمل می‌کنند، اهمیت زیادی دارد (افشاری، ۱۳۸۸).

۲-۲-۲. حمایت اقتصادی و معیشتی از خانواده‌های فقیر

توان مالی و امکانات مادی در ایجاد تعادل خانواده و موفقیت والدین برای تربیت فرزندان، حیاتی و ضروری است. کودکان خانواده‌هایی که به واسطه بی‌سرپرستی، بیکاری، بیماری سرپرست، تک‌والد بودن یا کثرت جمعیت در کمبود مالی و فقر اقتصادی به سر می‌برند



نیازمند مساعدت و حمایت‌های ویژه هستند. (نجفی توانا، ۱۳۹۸) این دسته از خانواده‌ها باید از نظر معیشت و رفاه، بیشتر مورد توجه باشند؛ زیرا اگر حمایت مالی از این خانواده‌ها صورت نگیرد آسیب‌های جدی بر خانواده وارد شده و بدین سبب نمی‌توانند نقش مثبت در تربیت فرزندان داشته باشند. در بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک مقرر شده است: «در راستای تضمین حمایت و مراقبتی که برای آسایش و رفاه یک طفل ضروری است، تمام دولت‌های عضو مکلف هستند که تدابیر و اقدامات قانونی و اجرایی لازم را در این باره اتخاذ کنند» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹). در ماده ۲۷ این کنوانسیون از همه دولت‌های عضو خواسته شده است که حق برخورداری کودکان از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت شناخته شود. به موجب ماده مذکور، پدر و مادر یا سایر اشخاص مسئول مراقبت از طفل مکلف هستند که در حد توان و امکانات مالی خود شرایط لازم زندگی برای رشد کودک را فراهم کنند. در بند ۱۱ رهنمودهای ریاض آمده است که اولویت هر جامعه باید رفع نیازها و رفاه خانواده و اعضای آن باشد (رهنمودهای ریاض، ۱۹۹۰). بنابراین، ضروری است که بودجه خاص و مناسبی هنگام تعیین بودجه عمومی کشور در نظر گرفته شود و از محل آن، خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد تحت پوشش حمایت دائمی و فراگیر قرار داده شوند. این ضرورت ناشی از این نگاه است که خانواده یکی از مهمترین مراجع پیشگیری از انحرافات اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی است و باید همیشه مورد حمایت جامعه و دولت قرار گیرد تا بتواند مکلفیت و مسئولیت خود را در تربیت و اصلاح فرزندان به درستی انجام دهد؛ زیرا کودک فقط متعلق به خانواده نیست، بلکه متعلق به جامعه است. بنابراین، جامعه باید با حمایت‌های خود از خانواده کودک در تربیت او سهیم باشد. این موضوع به ویژه زمانی که در بنیاد خانواده از نظر نیازهای مادی و فقر اقتصادی، ضعف و سستی پیش می‌آید اولویت بیشتری دارد. در این مورد سازماندهی یک سیستم هماهنگ خدمات‌رسانی و ایمنی بخشی ضروری است. این سیستم، کودکان و نوجوانانی را که در چنین شرایطی زندگی می‌کنند شناسایی کرده و حمایت‌های لازم مانند مراقبت از کودکان و معلولان، تغذیه در مدارس، ارائه خدمات پزشکی رایگان و... را به آنها ارائه می‌دهد. بی‌تفاوتی و بی‌توجهی نسبت به چنین کودکانی پیامدهای خطرناکی به دنبال

دارد که جبران آنها هرچند با صرف هزینه‌های زیاد، دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲-۲-۳. حمایت از خانواده‌های بدسرپرست

خانواده بدسرپرست، خانواده‌ای است که در محیط آنها خشونت فیزیکی و روانی نسبت به کودک اعمال شود و کودک آرامش خاطر و احساس امنیت نداشته باشد. (پیوندی، ۱۴۰۱) حمایت از این خانواده‌ها در بند ۱۳ و ۱۴ رهنمودهای ریاض مورد توجه قرار گرفته است (۱۹۹۰). در این بند پیش‌بینی شده است که اگر محیط خانوادگی ثابت و مساعدی وجود نداشته باشد و تلاش‌های جامعه برای حفظ یکپارچگی خانواده و جلوگیری از ازم‌پاشیدگی آن با مشکل روبه‌رو باشد، باید خانواده به صورت فرزندخواندگی مورد توجه قرار گیرد. از بندهای مذکور می‌توان دریافت که دولت‌های عضو مکلف هستند اقدامات و راهکارهایی برای تربیت کودکان در محیط‌های ثابت و استوار اتخاذ کنند. لازمه اتخاذ این تدابیر و اقدامات آگاهی از وجود خطر نسبت به کودکان در خانواده‌هاست. از این رو، ایجاد یک سیستم آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی برای شناسایی خانواده‌های بدسرپرست و تشکیل نهادهای خاص حمایتی از کودکان مانند پلیس کودکان و سازمان‌های غیردولتی در حمایت از کودکان و نوجوانان ضروری است و همه اقشار جامعه به شمول کودکان و نوجوانان باید از وجود چنین نهادهای حمایتی کودکان آگاهی داشته باشند تا بتوانند به راحتی و بدون ترس با آنها ارتباط برقرار نمایند و وضعیت خطرناک کودکان را گزارش و تشریح کنند.

یکی از راهکارها برای حمایت از خانواده‌های بدسرپرست ایجاد مراکز ارائه مشاوره و راهنمایی است. این مراکز می‌توانند برای اصلاح و بازسازی وضعیت خانواده‌هایی که فرزندان کم سن و سال دارند، از نظر روحی و عاطفی در حالت نامناسب و آشفتنه به سر می‌برند یا در آستانه فروپاشی هستند اقداماتی اتخاذ کنند. برای نمونه یکی از اقدامات این است که به والدین کمک کنند تا مسائل خاص مربوط به دوره کودکی فرزندان را درک کرده و پاسخ مناسب به آنها دهند. مراکز یادشده می‌توانند به والدین کمک کنند که چگونه با کودکان خود رفتار کنند تا از گروه همسالان تأثیر منفی نگیرند. وجود نهادهای حمایتی از خانواده‌های بدسرپرست در جامعه از فرار کودکان و نوجوانان از منزل پیشگیری کرده و

مانع سوءاستفاده از آنها توسط افراد یا گروه‌های منحرف می‌شود. (افشاری، ۱۳۸۸)

۳. بحث و نتیجه‌گیری

از نظر اسلام و اسناد بین‌المللی نقش خانواده در تعلیم و تربیت اخلاقی کودکان و انتقال معیارهای سنجش ارزش‌ها و آموختن هم‌زیستی اجتماعی، بسیار مهم و حیاتی است. والدین که هسته‌های اصلی نهاد خانواده را تشکیل می‌دهند وظیفه خطیر و سنگینی در تربیت کودکان برعهده دارند و کوچک‌ترین غفلت آنها موجب کج‌روی و انحراف کودک از مسیر کمالات اخلاقی و سقوط به پرتگاه جرم، جنایت و مفسد اخلاقی می‌شود.

از نظر اسلام و اسناد بین‌المللی برای صیانت کودکان از انحرافات اخلاقی بر اصلاح و سلامت اخلاقی خانواده تأکید شده است. از این رو، در اسلام تدابیری مانند ایجاد حس مسئولیت در والدین، حفظ جایگاه آمرانه والدین و مشروعیت بخشی به آن، تشویق و ایجاد انگیزه برای والدین، تقویت اقتدار و جایگاه معنوی والدین در خانواده، تقویت فرهنگ خدامحوری در خانواده و فقرزدایی از خانواده برای تقویت نقش خانواده در جلوگیری از انحراف اخلاقی بزهکاری کودکان ارائه شده است. در اسناد بین‌المللی نیز حمایت آموزشی از والدین، حمایت اقتصادی و بهبود معیشتی از خانواده‌های فقیر و حمایت از خانواده‌های بدسرپرست برای اصلاح و تقویت نقش خانواده در تربیت فرزندان و تأثیرگذاری در پیشگیری از انحراف اخلاقی آنها مورد توجه قرار گرفته است.

تربیت فرزندان بر والدین واجب است. والدین مکلف بر صیانت کودکان از انحرافات اخلاقی کودکان هستند. در اسلام، تربیت کودکان و صیانت آنها از انحرافات اخلاقی برای والدین عملی عبادی است و برای آن اجر و پاداش معنوی و اخروی وعده شده است. این باعث می‌شود که والدین برای رسیدن به این پاداش‌ها مسئولیت خود را در تربیت فرزندان به طور احسن ایفا کنند. این رویکرد در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته است چون در رویکرد اسلامی، انسان ترکیبی از روح و جسم بوده و نیازمند هدایت و حیانی از طرف خداوند است. آموزه‌های اسلامی برای اصلاح بستر خانوادگی و برای مقابله با انحراف اخلاقی کودکان بر هر دو بعد مادی و معنوی انسان تمرکز دارد در حالی که در اسناد بین‌المللی رویکرد اومانیزستی حاکم است و توجه همه‌جانبه (جنبه‌های دنیوی و اخروی) به انسان که برای یک زندگی ابدی خلق شده، ندارد. در این رویکرد انسان به حد بلوغ

رسیده است و می‌تواند خودش آموزش را تدبیر کند و به هدایت الهی که خالق انسان است، نیازی نیست. از این رو، بعد معنوی انسان در اسناد یاد شده مغفول مانده و برای انسانی که مدتی در دنیا زیست می‌کند و باید برای زندگی وی برنامه‌ریزی کرد، تمرکز شده است. در سیاست جنایی اسلام برای پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها در خانواده‌ها، از هم‌پاشیدگی و جلوگیری از انحرافات اخلاقی کودکان بر تقویت فرهنگ خدامحوری و خداترسی تأکید شده است؛ زیرا توجه و اعتقاد به حضور و نظارت خداوند نیرویی بازدارنده را برای والدین ایجاد می‌کند که هم باعث صیانت خودشان از انواع آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود و هم در دامن امن آنها بستر رشد و کمالات اخلاقی برای فرزندان به طور شایسته فراهم می‌شود. این موضوع نیز در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته و از نقاط ضعف اسناد مذکور است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: مشکینی، علی. قم: نشر الهادی.
- * نهج البلاغه (۱۴۱۴ ه.ق). شریف الرضی، محمد بن حسین، قم: هجرت.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ه.ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*. قم: دارسیدالشهداء للنشر.
۲. ابن بابویه، محمد علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. تهران: نشر جهان.
۳. افشاری، صغرا (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه رویکردهای مختلف پیشگیری از بزهکاری کودکان. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق. دانشگاه قم.
۴. بشری، سارا (۱۳۹۴). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*. قم: دارالفکر.
۵. پرفیت، آلن (۱۳۷۸). *پاسخ‌هایی به خشونت*. مترجم: محسنی، مرتضی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۶. پیوندی، غلام‌رضا (۱۴۰۱). حقوق کودک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. تختایی، فاطمه (۱۳۹۶). *راهکارهای تربیتی قرآن و حدیث در مقابله با انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان.
۸. السید محمد باقر، *التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری* (۱۴۰۹ ه.ق). قم: مدرسه الامام المهدی.
۹. جوانمرد، کرم‌الله (۱۳۹۰). *پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۰. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).^۱
۱۲. حکیمی، محمد (۱۳۸۸). *فرازهایی از سخنان امام رضا (ع)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد... و حکیمی، علی (۱۳۸۰). *الحیة*. مترجم: آرام، احمد. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض). (<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/united-nations-guidelines-prevention-juvenile-delinquency-riyadh>).
۱۵. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۰). *خانواده از دیدگاه روان‌شناسانه*. تهران: سمت.

۱۶. شورای مرکزی کرسی‌های آزاداندیشی حوزه علمیه اصفهان. (۱۳۹۸). *نگرشی آزاد به خانواده*. اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان.
۱۷. صلاحی، جاوید (۱۳۸۹). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: میزان.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان*. قم: انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
۲۰. عابدی میانجی، محمد (۱۳۸۸). *وظایف دولت در پیشگیری از جرم*. قم: نورالسجاد.
۲۱. علینی، محمد (۱۳۹۱). *سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۲. غیبی قزاجیه قیه، میثم (۱۳۹۳). *نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۳. فرجاد، محمدحسین (۱۳۶۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات بدر.
۲۴. قرائتی، محسن (۱۳۷۰). *گناه‌شناسی*. بی‌جا: انتشارات پیام آزادی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۴). *مبانی جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۵). *مبانی جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. گروهی از مترجمان (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۹. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*. قم: دارالحدیث.
۳۰. متقی هندی، علاءالدین (۱۳۹۷). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. تصحیح صفوة السقا. بیروت: مکتبة التراث.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۲. مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد کبیر (۱۴۰۹ ه.ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالسادین*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. مدنی، سعید (۱۳۸۲). *بررسی روند آزار کودکان در ایران براساس برخی یافته‌های علت‌شناسی آن*. نشریه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲(۷)، ۱۶۳-۱۹۰.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). *مثال‌های زیبایی قرآن*. قم: نسل جوان.
۳۶. مکاریان، ناصر (۱۳۸۱). *معارف واحکام نوجوان (مطابق نظرات حضرت آیت‌الله العظمی منتظری)*. تهران: سرایی.
۳۷. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۷). *اسلام دین فطرت*. تهران: سایه.
۳۸. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ه.ق). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه*. قم: نشر تفکر.
۳۹. نجفی توانا، علی (۱۳۹۸). *تابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: نشر میزان.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۱. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ ه.ق). *منتخب توضیح المسائل*. قم: مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام.
۴۲. یآوری، احسان (۱۳۹۵). *سیاست جنایی اسلام در صیانت از نهاد خانواده*. قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم.
43. Alberto, M., & Barros, C. (2023). Facing Uncertainty: The Role of Family in the Development of Identities. *Zero-a-seis*, 25(47), 322-34.
44. Durisic, M., & Bunijevac, M. (2017). Parental Involvement as an Important Factor for Successful Education. *Center for Educational Policy Studies Journal*, 7(3), 137- 153.
45. Lubis, D. F. (2023). Efforts to Improve Student's Moral Values in the Era of Digital Development. *International Journal of Student Education*, 103-105. DOI(<https://doi.org/10.62966/ijose.v2i1.275>) Vol. 2 No. 1
46. UNECEF (2024). *Positive Parenting: A gift for a lifetime*. <https://www.unicef.org/serbia/en/positive-parenting>
47. United Nations (1989). *Convention on the Rights of the Child*. General Assembly Resolution. <https://www.unicef.org/child-rights-convention>.
48. United Nations (1990). *Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency*. (The Riyadh Guidlelines). <https://digitallibrary.un.org/record/105349?ln=en&v=pdf>.
49. Vivian, L., Gadsden, M. F., & Heather B. (2016). *Parenting Matters: Supporting Parents of Children Ages 0-8.*, *National Academies of Sciences*. Washington, DC: The National Academies Press.